

قربانی و ریشه اسطوره‌ی اش

من در سفر تازه‌ی‌ی که با هالند داشته‌ام، میزبان آقای زرشوی، دوست مجازی که درب دیدار حقیقی را با مهر باز نمود، گردیدم. ۱۷ مارچ ۲۰۱۹ع.

او در جریان گردش‌ی که در شهر امستردام می نمودیم، از من پرسید که کجای این شهر را برای دید، مناسب می دانید؟ در همان لحظه در ذهنم به گفته‌ی فروید، روانشناسی که ما را از چنگال جن و جنگیری و جنزده گی نجات داد، نام دانشگاه کهن لایدن، برق زد. دلیل این بل، همان گذشته‌ی این دانشگاه بود.

آن گونه که آگاهی دارید - به باور من تاریخ اروپا و دنیا را می توان به دو دوره مهم دیدگاه: پیش از روشنگری و بعدش تقسیم نمود - جنبش روشنگری که با دگرگونی‌های رشد اقتصادی بورژوازی یا همان کسب و کار، که دیگر تنها با زمین به حیث سرچشمه تولید، وابسته نبود و راه را برای دگرگونی‌های ژرفی باز نمود، زمینه اندیشه نو را مساعد ساخت.

این جنبش با توجه به خرد، به ویژه خردنقادانه، بر سلطه کلیسا که از سده چهارم عیسایی پس از آن که امپراتور روم باستان، به باور عیسایی گروید، به اریکه قدرت سیاسی فراز آمد و خود به قدرت بدون رقیب بدل شد، شورید. راه اندازان این جنبش، بار دیگر نگاهی به دوران یونان باستان که در آن فیلسوفان پرسشگری، قد بلند نموده بودند و با تسلط دین عیسایی به پسخانه دوران سیاهی یا تاریکی رانده شد، نمودند.

در این نگاه خرد، گوهر اساسی را می ساخت و اربابان کلیسا که سیطره شان با این دید زیر سوال قرار می گرفت، به دربند کشیدن عضوان این جنبش دست زدند.

البته این قصه دراز هست و کوتاه باید گفت که پس از آن این نگاه در

نبرد سخت و پر از فراز و نشیب تا دوران به گفته قدما ، ، دایره المعارف،، یا همان دانشنامه، نویسان فرا رسید.

در این نبرد سه‌گین و قربانی گیر، میان عصر تاریکی و روشنایی، هر حرکت و دیدی که در خط روشنگری قرار می‌گرفت با پتک سنگین کفر، کوبیده می‌شد و اثری حتا ورقپاره‌ی هم، اجازه نشر در خط توضیح این دیدگاه‌ها از سوی ساختارهای مستبد، داده نمی‌شد.

با آن‌که انگلستان در سده هفده، شاهد قد بلند نمود غول‌های عظیم فکری - مانند ولتر و دیگر و دیگر - بود، اما، انبور سانسور و عدم اجازه نشر دیدگاه‌های اینان، روز تا روز تنگ و تنگ‌تر می‌شد و گلوی اندیشه نو را خفه می‌نمود.

در این آوان، همین شهر و دانشگاه لایدن، درب بازی را برای نشر این اندیشه‌ها - اگر هم در چاپخانه‌های تاریک و زیر زمینی هم بود -

گشود. در همین جا، برخی از اثرهای جدید نویسندگان هابی چون ولتر که در خود انگلستان اجازه چاپ و پخش را نداشتند، امکان نشر را می‌یافتند. جالب هست که در همین شهر ، ، دانشنامه اسلام،، که همان دایره المعارف می‌باشد، به دست نشر رسید.

پی آمد این امر در جریان نبرد دراز و پیگیر، شکل‌گیری ساختار سیاسی مردمسالار می‌باشد. از این رو در لحظه‌های کنونی در همبودهای پیش‌مدرن، نبرد تندی میان ساختار سنتی که بر خط سنتگرایی، استبداد و بسته‌سیر می‌نماید و دیدگاه‌های آزاد، مردمسالار و نوگرا، جریان دارد و ما هر روز شاهد بیان این امر به شکل‌های گونه‌گون می‌باشیم.

در نزدیک‌هایی دانشگاه روشن شد که کار ترمیمی جریان دارد و امکان دیدار نا میسیر.

با پیشنهاد آقای زرشوی، بر آن شدیم تا از ، ، موزیم

باستانشناسی ،، Rijksmuseum van Oudhen که در آن زیر نام ، ، خدایان مصر،، نمایش داده می شد، برویم.

جالب این بود که در درب ورودی، اعلانی نوشته شده بود که یکی دو ساعت بعد، کاوشگری که در زمینه خط کهن عربی، بررسی های تازه و مهمی را انجام داده است، بیانیه یی با جلسه پرسش و پاسخ دارد. من از آقای زرشوی خواستم که بعد دیدار از بخش های موزیم، در این امر شرکت خواهیم نمود. او با مهربانی که دارد، موافقت نمود.

ما، از بخش های گونه گون این نمایشگاه که از دوران مصر کهن، حضور خدایان را با نماد های مختلف، نشان می داد، دیدن نمودیم.

در پایان کار، فرصت آن میسر شد تا در این جلسه شرکت نماییم.

برای من این امر به شدت، دلچسپ بود. آقای زرشوی که زبان هالندی را به نیکویی می داند، توجه اش را دو چند نمود تا بعد برای من نکته های اساسی را باز گو نماید.

این پژوهگر جوان به وسیله نقشه ها و نماد های روشن دیگر سیر دگرگونی خط را بیان می نمود. او با اشاره به شهرک قدیمی در شمال غرب عربستان، آن زاد گاه این خط نامید. یکی از متن هایی که برایم بسیار جالب بود، داستان رواج قربانی در میان این قبیلگان بود.

در آن سران قبیله برای خشنودی ،، خدایان،، یا به گفته عربان ،، ارباب النواع،، انسان را قربانی می نمودند. جالب این هست که این سر قبیله نزدیک ترین فرد به خود، به ویژه بچه ارشد و بزرگش را، قربانی می نمود. این امر سابقه دیرین در جزیره مانند عرب داشته و سه صد سال پیش از ع. بوده است.

این کار به روشنی نشان می دهد که به گذشت زمان، و در خط تکامل، یکی از سران این قبیلگان، انقلابی را به میان آورد و به جای بچه و پسرش، چارپایی - از هرگونه اش - را قربانی می نمود.

چنین برداشت وجود داشته است که نام یکی از این سر قبیله ، ، ابراهیم ، ، بوده است. بسیار بررسی های نشان می دهد که این اسطوره با گذشت زمان سینه به سینه نقل شده و جز فرهنگی زبانی مردم گردیده است. جالب این هست که در قرآن - کتاب اسلام - نام این فرد که باید قربانی می شده یاد نگردیده و سبب شکل گیری دو نظریه اسماعیل و اسحاق شده است. برخی آن را آزمونی از سوی خدا برای بنده اش ابراهیم و به ویژه اسماعیل یا اسحاق می دانند. از این رو بر اساس این روایت، خدا قربانی را می پذیرد و می خواهد که ، ، کشته عظیمی، را انجام بدهد. در این جا هم نام کدام چارپای در قرآن ذکر نشده است.

برخی پژوهشگران به این باور اند که چنین امر در متن انجیل کهن ، ، کتاب یهودان، ، بوده و به اسلام نیز راه باز کرده است. نکته جالب این هست که مسلمانان به این باور اند که او اسماعیل بوده است، اما یهودان او را اسحاق برادر اندرش می دانند. دلیل این هست که عربان و به دنباله روی از آنان، مسلمانان، اسماعیل و یهودان اسحاق را می دانند. عربان خود را بازمانده گان اسماعیل و یهودان، اسحاق می دانند. این امر به ذهن همان دشمنی کهن در خط اندری و ، ، اودورزاده گی، ، را به یاد می آورد.

طبری یکی از مورخان اسلام اولیه، نیز به این باور هست که او اسحاق بوده است. او حضور حدیث های گونه گونه در این زمینه را نادرست می داند.

به این گونه برای من روشن گردید که این قربانی حضور روشن در میان فرهنگ قبیلگان عرب، پیش از محمد داشته است.

حال زمان آن رسیده است تا به این گونه سنت ها با دقت توجه شود و از مرگ چارپایان در این خط جلوگیری شود. اگر منظور از خوشی و

شادی هست - نمی دانم چی گونه برای خونریزی شادی نمود، به تر هست تا به نام دیگری و مناسبت دیگری چنین جشن برپا گردد، نی خون و اطاعت برده گونه.

همان گونه یی که قربانی از فرزند یا نزدیک یک خانواده به جاننداری دگرگون شده است، زمانی آن رسیده است که برای نگه داری جان یک جاندار و نیالوده سازی محیط زیست، این را هم باید دگرگون نمود و شادی را برای خود خوشی، به راه انداخت.

شهر گت تنگن، جرمنی

۱۱ ماه اگست ۲۰۱۹ ع.

۹ ذوالهجه ۱۴۴۰ هـ . ق.